

چالش شفافیت؛ «VOD»ها از کجا پول درمی‌آورند؟

رد کلیات بودجه از نظر سیاسی چطور قابل تحلیل است

چالش استقلال و مصلحت

صفحه ۲

روزنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰ تومان

فصل جدید را با موسیقی
روایت‌های جنگ

شماره مسلسل: ۲۷۷
چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲
۲۹ خرداد ۱۳۴۵
۱۳ دی ۱۳۰۲
۳۰۳ شماره

WWW.FDN.IR | Wed | 13 Dec 2023 | vol.15 | No. 4032 | 16 Pages

منطق اقتصادی موافقان و مخالفان رد کلیات بودجه ۱۴۰۳ چه بود؟

منه‌های بودجه



دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

در فرهنگ نمی‌توان امرونی‌گری کرد

۵،۴

یادداشت دکتر طهرانچی درباره تفتیش عقاید در هاروارد، پنسیلوانیا و...

محاكمه دانشگاه توسط ديكتاتورهای اتوكشیده

۱

هزینه ماهیانه بلیت متروی پرنده ۱۰ درصد حداقل حقوق است

این قطار کارگری نیست

۷



یادداشت دکتر طهرانچی درباره تفتیش عقاید در هاروارد، پنسیلوانیا و...

محاكمه دانشگاه توسط ديكتاتورهای اتوكشیده



محمد مهدی طهرانچی
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی

طوفان الاقصی طوفانی به پا کرد که ظاهر دروغین آرایش شده نظام لیبرال دموکراسی غرب کنار زده شد و حقیقت عربان چهره این نظام با همه به ظاهر ارزش‌های حاکم بر حکمرانی در عرصه دموکراسی و حقوق بشر و حقوق شهروندی خصوصاً کودکان و زنان نشان داده شد. نظام لیبرال دموکراسی همواره تلاش کرده است چهره‌های دموکرات از خود نشان دهد و با بازگشت، بر استقلال علم و نهاد علم نیز تأکید کند. اما این حوادث به وضوح پرده را کنار زد و سر درون را آشکار ساخت. احضار روسای دانشگاه‌های مهم به کنگره آمریکا و بازجویی از آنها با اتهام گسترش یهودی ستیزی در آن دانشگاه‌ها که در واقع حمایت بدنه دانشگاه از فلسطین و اعتراض به نسل‌کشی آشکار در غزه بود، به وضوح نشان داد که در این دو دستکش مخملین، دستنی چندی است. دستنی چندی که با کنار رفتن آن روکش مخملین، حقیقت و سببیت و دیکتاتوری خود را نشان داد. نظام لیبرال دموکراسی را بلاشک می‌توان به تعبیر رهبر انقلاب، «دیکتاتوری اتوکشیده» دانست. نظامی که با شعار و محوریت آزادی در واقع محکم‌ترین دیکتاتوری‌ها را ایجاد کرده است. این ماهیت دیکتاتوری اتوکشیده در شیفتگان و غرب‌زدگان داخلی هم هست که در دفاع از مدزینیه بسان قلعه بانانی از هیچ تلاشی فریگذار نمی‌کنند. در این میان حکمرانی آکادمیک در عرصه دانشگاه و استقلال دانشگاه‌ها چنان تفسیر و تبیین می‌گشت که غرب باورن همواره در هر فرصتی به طعنه فضای جایگاه دانشگاه‌های ایالات متحده را به رخ اندیشمندان حوزه سیاست دانشگاه در ایران اسلامی می‌کشیدند. تا آنجا پیش‌رفته بودند که یکی از این افراد در دانشگاه‌های مطرح در وصف دانشگاه آمریکا بیان داشته بود: «فرض کنید حرج بوش یا هر رئیس جمهور دیگری برای شرکت در یک مراسم رسمی به ایران بیاید و حکومت جمهوری اسلامی به هر دلیل اجازه سخنرانی در نقطه‌ای دیگر از کشور را به وی ندهد و در عوض دانشگاه تهران با مسئولیت و اعتبار خود وارد عرصه به سخنرانی کند. واقعاچه اتفاقی خواهد افتاد؟ این نشان می‌دهد که جایگاه دانشگاه در ایران کجاست و در آمریکا کجا؟» این همه حیرت نسبت به ادعای استقلال دانشگاه در آمریکا با این جمله که «جایگاه دانشگاه در ایران کجاست و در آمریکا کجا؟» انسان را به حیرت می‌آورد. و این حملات مشتکی است نمونه از خورباور باورهای غلطی که فقط در درون کتاب‌های سیاست‌گذاری علمی و نهاد علمی برای درس در دانشگاه‌ها می‌توان آن

بیان چند تامل به بهانه سالروز تاسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی

ترسم نرسی به کعبه‌ای اعرابی!



مسعود معینی‌بور
مشاور فرهنگی رئیس مجلس

یادداشت
حاله عمومی فرهنگ در جامعه ما، حال خوبی نیست و حکایت از آن دارد که سیاست‌گذاری‌ها و تحقیق آنها اثرگذار نبوده و در حل مسائل فرهنگی ضعف جدی داریم. بخشی از آن برمی‌گردد به عدم درک درست از مسأله‌ها و غلبه کارکردهای جاری ساختاری و نهادی بر مسأله محوری و حل مسائل. در این مقاله کوتاه چند نکته را مطرح می‌کنم که هر یک می‌تواند دستمایه گفت‌وگو و بررسی قرار گیرد.
شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز ثقل تنظیم‌گری حکمرانی در حوزه علم و فرهنگ جمهوری اسلامی است. از این رو باید در حرکت جدیدی که پیش رو دارد این دست مسائل را جدی بگیرد، در غیر این صورت در بر همان پاشنه قبلی خواهد چرخید و فرصت‌سوزی خواهد شد. اول: سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند در در بزرگ رنج می‌برد و آن اینکه درباره اکثر کلان‌مسأله‌های حوزه فرهنگ و علم و هنر، طی این سال‌ها، واکنش سلبی به تاریخ گذشته ایران، شبه مدزینیسم داخلی و نظریه‌ها و کلان‌روندها و مصنوعات و محصولات مدزینیه غربی بوده و ما را از سیاست‌گذاری ایجابی و تولید محصولات مبتنی بر زیست‌بوم فرهنگ و علم و هنر خودمان دچار غفلت کرده است. شناخت آسیب‌ها و ضعف‌ها و مواجهه سلبی تا از جابرجایی نظم غیرمطلوب و انقلاب در ایده‌ها، نهادها و ساختارهای مبتنی بر آن آسیب‌ها کاربرد دارد؛ توده‌های مردم بعد از تثبیت نظام پس از انقلاب متوجه حرف ایجابی و تبلور هویت جدید در سیاست‌ها و نهادها و ساختارها هستند؛ حال آنکه بیش از چهار دهه است که همچنان رویکرد سلبی بر رویکرد ایجابی غلبه دارد. دو: گروه‌های مختلف اجتماعی، حاکمیت و نخبگان در وضعیت مختلف اجتماعی دچار واگرایی اجتماعی، فرهنگی و گسست هویتی شده‌اند و این غیرقابل انکار است. آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی تلاشی برای جلوگیری از تجزیه فرهنگی در زیست‌بوم عظیم فرهنگی ایران کرده است؟ بررسی‌های مختلف نشان از آن دارد که سیاست‌های فرهنگی حاکمیتی نتوانسته انسجام هویتی به وجود بیاورد و گروه‌های مختلف اجتماعی دچار چندپارگی هویتی شده‌اند. در حوزه فرهنگ و هنر مصرف‌کننده بیشتر محصولات تولیدی برآمده از سیاست‌های فرهنگی حاکمیت نیستند، بلکه آرام‌آرام و در در یک حرکت تدریجی درازمدت، مذاق و نیاز فرهنگی آنها از زیست‌بوم فرهنگی مبتنی بر سیاست‌های موجود و مصوب ساختارهایی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، به محصولات و مصنوعات نظم فرهنگی تمدن رقیب کوچ کرده است.

مهم‌ترین چالش جدی ساختارهای علمی و فرهنگی در ادوار مختلف جمهوری اسلامی، توسعه و گسترش کارایی و تضعیف کارآمدی تعمیق فرهنگ و باور دینی است. مقصود اینکه متاسفانه فرآیندهای تولید اسناد کلان فرهنگی و علمی و سیاست‌گذاری‌ها، بیش از آثار و نتایج اجرا و تحقق آن اسناد و سیاست‌ها برای شورای عالی انقلاب فرهنگی اهمیت پیدا کرده و نتوانسته نقش قراقرگاهی خود را در ساماندهی و تدبیر اجرایی شدن اسناد ایفا کند. پس کارایی برای آنها از کارآمدی اهمیت بیشتری داشته است. این مسأله از آنجا بروز کرد که فرهنگ، تبدیل به امری زینتی و غیراصیل شد و به جای مسأله محور شدن، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی روزه روزگاری تر و بی‌توجه‌تر به واقعیت مسأله‌های فرهنگی شد.
راه خروج از این چالش، توجه به حکمت عملی و شناخت مسأله‌های فرهنگی در مقیاس داخلی و بین‌المللی است. در این مسیر توجه به تجربه عملی فهم و حل مسأله‌های فرهنگی و اجتماعی در تجربه تمدنی اسلامی و ایرانی و در نظر گرفتن تجربه عملی جوامع دیگر بسیار اثربخش و مفید است. در خلال نکتی‌های دیگر، این موضوع را بیشتر توضیح دادم. چهار: سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ، روزه روزگاری تر، ظاهرگرتر و قشری‌تر شده و دوقطبی‌های فرهنگی در طبقات مختلف اجتماعی را تشدید کرده است. حال آنکه سیاست‌گذاری باید به تقویت دال مرکزی نظام فرهنگی برآمده از مکتب اسلام ناب و زیست‌بوم فرهنگی ایران بزرگ منجر می‌شد و زمینه حکمرانی بر اساس مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را توسعه می‌داد و انسجام اجتماعی، مذهبی و قومیتی و حتی امنی در مقیاس جهان اسلام را تقویت می‌کرد و دوقطبی‌ها را از میان برمی‌داشت. حال آنکه عطف به نکته اول، چنین چیزی تحقق نیافته است. پنج: گسست و شکاف بین نهاد تقنینی، نهاد اجرا و نهاد سیاست‌گذار مسأله دیگری است که لازم است برای آن تدبیر شود تا هماهنگی بین ساختارهای سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرا هرچه بیشتر ایجاد شود. شورای عالی انقلاب فرهنگی نوعاً در اسناد و مصوبات خود از واقعیت‌های قانون‌گذاری و اجرا، بسیار دور است و این مسأله باید حل شود. این موضوع به معنای ورود این شورا به حوزه تقنین و اجرا نیست بلکه باید درک و فهم خود را از این دو عرصه تقویت کند و متناسب با آنها و نهادها و ساختار و همچنین اصلاح برخی از آنها با هم افزایی این دو نهاد مهم وظیفه خود را انجام دهد. شورای عالی انقلاب فرهنگی در طول یک دهه گذشته، تبدیل به جزیره‌ای کام‌اثر و در بیشتر موارد بی‌اثر در تحولات فرهنگی کشور تبدیل شده است.
شش: عدم تمرکز بیشتر اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بر امر